

مطالعه کیفی پیامدهای اقتصادی صنعت نفت و گاز در سرخس از نگاه ذینفعان محلی (دهیاران روستاها): مبتنی بر رویکرد نظریه زمینه‌ای

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

شناسه دیجیتال: DOI:10.22034/JEDS.2021.45615.1516

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۲

حسن فخری‌زاده^۱

حسین میرزائی^۲

چکیده

پژوهش حاضر بر آن است با رویکرد برساختی-تفسیری به کشف پیامدهای اقتصادی صنعت نفت و گاز از منظر تجربه زیسته ذینفعان محلی بپردازد. داده‌های این مطالعه کیفی از طریق مصاحبه عمیق گردآوری شده و از روش نظریه زمینه‌ای برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. با روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند با ۱۹ نفر از دهیاران روستاهای بخش مرکزی شهرستان سرخس مصاحبه گردید و نهایتاً داده‌های گردآوری شده در قالب ۲۷ مقوله محوری و یک مقوله هسته‌ای مورد کدگذاری و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بر اساس تفسیرها و تجربیات شکل گرفته در میان ذهنیت کنشگران محلی (دهیاران)، صنعت نفت و گاز در این منطقه پیامدهای اقتصادی مختلفی را در بر داشته است. از یک سو مؤلفه‌هایی همچون عدم تحرک اجتماعی، فقدان قدرت چانه زنی، منفعت طلبی شرکت‌ها، نفوذ و اقتدار شرکتی شرایط علی لازم را برای شکل‌گیری نوعی ساختار اقتصادی دوگانه (مبتنی بر مرکز/پیرامون) در صنعت نفت و گاز فراهم نموده است. از سوی دیگر توزیع نابرابر منابع، اتخاذ رویکرد غیربومی، فقدان قدرت اجتماعی، و فقدان نظارت این شرایط دوگانه را تسهیل و تقویت نموده است (عوامل مداخله‌گر). در شرایط خصوصی‌سازی شرکت‌ها (شرایط زمینه‌ای)، ذینفعان محلی به میانجی دو راهبرد «مقاومت (اعتراض)» و «انفعال (پذیرش)» نسبت به این ساختار اقتصادی دوگانه واکنش نشان می‌دهند. یافته‌های مطالعه حاضر حاکی است که پیامدهای اقتصادی متعددی همچون ظهور قشرهای جدید، استثمار نیروی کار، تعارض منافع، تعارض هویتی، موقتی‌سازی نیروی کار و... در بسترهای صنعت نفت و گاز بر ساخته شده‌اند. در چنین زمینه‌ای کنشگران و اجتماع محلی، یا با ساختار دوگانه موجود «سازگار و همگرا» شده یا به سمت «ناسازگاری و واگرایی» سوق داده شده‌اند (مقوله هسته‌ای).

واژگان کلیدی: ساختار اقتصادی دوگانه؛ مقاومت/انفعال؛ تعارض منافع؛ ظهور قشرهای جدید؛ ذینفعان محلی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی‌شیرینی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
hassan.fakhrizadeh@mail.um.ac.ir

۲. استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شیرینی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
hmirzaei@um.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

ورود صنعت نفت و گاز به کشور، که از تکنولوژی و سرمایه اقتصادی عظیمی برخوردار می‌باشد، یکی از عوامل تاثیر گذار بر نوسازی در مناطق نفت خیز محسوب می‌شود. با گسترش و توسعه تدریجی پالایشگاه‌ها و صنایع مرتبط با آن، علاوه بر توسعه و رشد اقتصادی مناطق تحت پوشش و بهره‌مندی بخشی از جامعه از خدمات آن با ایجاد اشتغال و درآمدهای پایدار و امکانات زیربنایی، مسائل و چالش‌های زیست محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بی شماری را برای جوامع محلی و ساکنان مجاور این صنایع به همراه داشته است (پیامدهای متناقض). بنابراین، همزمان با توسعه صنعت نفت و گاز در مناطق نفت خیز و جوامع پیرامون، مفهومی تحت عنوان «ارتباطات بین شرکت-اجتماع محلی»^۱ به تدریج در ادبیات و پیشینه پژوهش‌های توسعه، خلق شده است. همراه با این مفهوم اصطلاح مکمل دیگری نیز با نام «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها»^۲ به وجود آمده است که از طریق آن میزان تعهدات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بهداشتی، خدماتی و آموزشی شرکت‌های صنعتی فعال در یک منطقه در قبال ذینفعان محلی، مورد توجه قرار گرفته است. امروزه با گذشت چند دهه از استقرار و فعالیت این شرکت‌های عظیم، ذینفعان و کنشگران محلی نسبت به عملکرد و پیامدهای صنعت نفت، نگاه‌های مختلف و انتقادآمیزی دارند. به عبارت دیگر، در طول سالیان متمادی دو جامعه در کنار هم و به صورت نامتوازنی شکل و قوام یافته‌اند که می‌توان از آن به عنوان جامعه دوگانه^۳ و قطبی شده نام برد که در یک سوی آن جامعه‌ای مرفه و برخوردار از کلیه امکانات و خدمات رفاهی و اقتصادی قرار داشته که از صنعت نفت و خدمات آن ارتزاق می‌نمایند و در سوی دیگر جامعه‌ای کم برخوردار و تهیدست که گرفتار عمیق‌ترین شکاف‌های طبقاتی و اقتصادی شده‌اند.

شواهد بسیاری نشان می‌دهند که در مناطقی که صنعت و نفت و گاز در آنها توسعه یافته است، به طور عام، وضعیت خدمات بهداشتی، آموزش و پرورش، آموزش عالی، رونق اقتصادی، خدمات شهری و بسیاری از آنچه شاخص‌های رفاه در جهان امروز به حساب می‌آیند، بهبود یافته است و علاوه بر این به طور همزمان پیامدهای منفی نیز بر ساختار این مناطق سایه افکنده است (امین‌نژاد، ۱۳۹۴؛ طالبیان و فاضلی، ۱۳۹۲؛ طالبیان و همکاران، ۱۳۸۷). منتقدان نیز بر این نظرند که به طور کلی با ورود صنعت نفت، آسیب‌های فراوانی در سطوح مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای جامعه میزبان و اجتماع محلی به وجود آمده است از قبیل: عدم تغییر محسوس سطح امکانات و خدمات به مردم قبل و بعد از اجرای پروژه‌های صنعتی، وجود فقر، تورم، شیوع انواع آسیب‌های اجتماعی در محل، شلوغی محیط زندگی و بر هم خوردن شبکه روابط اجتماعی و امنیت مردم، از دست رفتن فرصت‌های شغلی قبلی و بیکاری یا انجام کارهای

1. Corporate-community relations
2. Corporate Social Responsibility
3. Dual society

پست بومیان در صنعت نفت و گاز به دلیل عدم مهارت‌های مرتبط با آن، افزایش شکاف‌های درآمدی و طبقاتی و در پی آن تشدید احساس نابرابری و محرومیت، نزاع‌های قومی، شهرگرایی، مصرف‌گرایی، تشدید توسعه نیافتگی و کاهش سطح پایداری انسانی و اجتماعی در منطقه (طالبیان و همکاران، ۱۳۸۷؛ معیدفر، ۱۳۸۹؛ محسنی تبریزی و فرامرزی، ۱۳۹۱؛ فرضی و ازکیا، ۱۳۹۵؛ طالبیان و عمرانی مجد، ۱۳۸۸؛ طالبیان و ملاکی، ۱۳۹۱؛ کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۶).

طرح‌ها و پروژه‌های مرتبط با توسعه نفت و گاز از دو منظر قابل تفسیر می‌باشند؛ در یک سو شرکت‌های توسعه‌ای و کارگزاران آن وجود دارند که از منظر آنان، ساکنان بومی نه به عنوان ذینفعان موثر بر پروژه که با برچسب «معارض» یاد می‌شوند؛ معارضینی که در مسیر تحقق اهداف پروژه‌های ملی مانع تراشی می‌کنند و تعامل با آنها از سر اجبار صورت می‌گیرد. در سر دیگر این گستره، بومیان و ساکنان محلی وجود دارند که در پی بهره گرفتن از فرصت حضور این شرکت‌ها در راستای برآوردن نیازهای خویش‌اند، نیازهایی که پیش از حضور این شرکت‌ها یا وجود نمی‌داشت یا آن که امکان برآورده سازی آنها میسر نبود (فرضی و ازکیا، ۱۳۹۵: ۲۲۲).

شواهد و مطالعات انجام شده در سطح ملی و محلی نشان می‌دهند که بسیاری از مشکلات و موانع به وجود آمده در مسیر اجرای پروژه‌های صنعت نفت و گاز کشور، به دلیل قضاوت‌های نادرست و یا سطحی درباره افراد و گروه‌های درگیر و ذینفع در پروژه‌ها و عدم تعامل مناسب با آنها بر اساس انتظارات و ارزش‌های آنها بوده است. بنابراین، در چنین زمینه‌ای ضرورت ارزیابی و سنجش نگرش‌ها و دیدگاه‌های ذینفعان از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

پالایشگاه گاز شهید هاشمی نژاد خانگیران در حدود ۱۶۵ کیلومتری شمال شرق مشهد و ۳۵ کیلومتری جنوب شهرستان سرخس قرار دارد. عملیات زمین‌شناسی آن در سال ۱۳۱۶ شروع شد و در سال ۱۳۴۷ اولین چاه حفر گردید. فاز اول پالایشگاه در سال ۱۳۶۲ و فاز دوم آن در سال ۱۳۸۱ راه‌اندازی شد. فعالیت عمده این شرکت، پالایش گاز، تولید گوگرد و تولید مایعات گازی می‌باشد.

شرکت بهره‌برداری نفت و گاز شرق سومین شرکت تحت پوشش شرکت نفت مناطق مرکزی ایران است که مسئولیت تولید، تفکیک اولیه و میعانات گازی به منظور تأمین خوراک پالایشگاه گاز شهید هاشمی نژاد را در منطقه شرق ایران بر عهده دارد. حوزه فعالیت این شرکت در حال حاضر استان خراسان است. تولید گاز و میعانات گازی از میدان خانگیران (مخازن مزدوران، شوربچه B و D) و میدان مشترک مرزی گنبدلی از مهم‌ترین فعالیت‌های شرکت بهره‌برداری نفت و گاز شرق می‌باشد.

بررسی حاضر به بازسازی معنایی و تجربه پیامدهای توسعه اقتصادی صنعت نفت از منظر کنشگران محلی (دهیاران روستاها) می‌پردازد. ساختار و ترکیب جمعیتی شهرستان سرخس به گونه‌ای است که بیش از ۵۰ درصد جمعیت ساکن روستاها بوده و بیشتر در بخش کشاورزی و

دامداری مشغول فعالیت می‌باشند. با این وجود در طی چند دهه گذشته با ورود صنعت نفت و گاز در این منطقه، تغییر و تحولاتی همچون پیدایش فعالیت‌های اقتصادی جدید، تغییر نظام قشربندی اجتماعی، به هم خوردن ترکیب جمعیتی - قومی، افزایش تعاملات فراقومیتی، حضور متخصصان و کارشناسان صنعتی و پیمانکاران در منطقه به وقوع پیوسته است.

به طور کلی، این پژوهش قصد دارد تا پیامدهای اقتصادی حاصل از صنعت نفت و گاز در سرخس را از منظر کنشگران محلی مورد واکاوی قرار دهد. چرا که کم توجهی به اقتصاد محلی، به ویژه ذینفعان محلی در این صنعت کاملاً قابل تشخیص است. بنابراین، با دستیابی به درون ذهنیت این ذینفعان محلی در مورد پیامدهای اقتصادی صنعت نفت، تفسیر و درک معانی ذهنی آنها می‌توان ضمن آسیب شناسی مسئله، به سیاست‌گذاران اجتماعی و متولیان حوزه صنعت نفت و گاز شهرستان کمک نمود تا چالش‌ها و شکاف‌های ایجاد شده بین مدیران صنعتی و جامعه محلی را حتی‌الامکان از طریق پذیرش و ارتقاء مسئولیت‌های اجتماعی و توجه بیشتر به جامعه محلی، کاهش دهند. موضوع مورد نظر مبتنی بر پرسش‌های زیر مورد واکاوی قرار می‌گیرد: ذینفعان محلی پیامدهای صنعت نفت و گاز را بر اقتصاد معیشتی و محلی چگونه درک، معنا و تفسیر می‌کنند؟ پیامدهای صنعت نفت و گاز بر تغییرات در نظام قشربندی اجتماعی چگونه از منظر این ذینفعان درک، معنا و تفسیر می‌شوند؟ ذینفعان محلی پیامدهای صنعت نفت و گاز را بر تعاملات اجتماعی خود با افراد غیر بومی چگونه درک، تفسیر و معنا می‌کنند؟

به طور کلی از نکات قابل تمایز این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های پیشین این است که اولاً محققین سعی نموده‌اند نگاهی محلی نگرتر نسبت به پیامدهای توسعه‌ای از منظر جامعه روستایی به مسئله داشته باشند تا نیا رویکرد برساخت گرایانه مدیران محلی را که حلقه واسط بین مردم و دولت می‌باشند مورد کنکاش قرار داده است ثالثاً برخلاف بیشتر تحقیقات پیشین که کلیه ابعاد توسعه‌ای این صنایع را به صورت سطحی مورد بررسی قرار داده‌اند، پژوهش حاضر در پی آن است تا با نگاهی عمیق و کیفی پیامدهای اقتصادی را به صورت مسئله مند مورد توجه قرار دهد. و بالاخره اینکه فرایندهای توسعه مرتبط با صنایع نفت و گاز در این منطقه مرزی در یک بستر چندقومیتی به وقوع پیوسته است.

مروری بر ادبیات پژوهش

رابطه بین کنشگران محلی و شرکت‌های صنعتی همچون صنعت نفت و گاز یکی از زمینه‌های پژوهشی است که مقالات متعددی در این حوزه انجام شده است. یکی از خلاءهای پژوهشی در زمینه ادبیات تحقیق در حوزه این صنعت، انجام تحقیقات کیفی در قیاس با تحقیقات کمی است که با مرور آنها می‌توان اینگونه تقسیم‌بندی را ترسیم نمود:

۱- بخشی از مقالات و پژوهش‌ها مستقیماً به تأثیرات صنعت نفت و گاز بر اجتماعات محلی متمرکزند. که مهم‌ترین مسئله آنها موضوع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها^۱ در قبال اجتماعات محلی است. موضوع مورد تأکید دیگر رابطه بین شرکت‌ها و اجتماعات محلی^۲ می‌باشد و اینکه جوامع محلی چه درک و فهمی از این روابط داشته و نهایتاً پیامدهای مثبت و منفی حاصل از برهم کنش روابط دو اجتماع برآورد و ارزیابی شده است.

۲- در دسته دیگر از مقالات بیشتر حوزه کلی صنعت و بعضاً صنایع معدنی و صنایع استخراجی مورد توجه بوده و طی آن رابطه بین کنشگران محلی و شرکت‌های فعال صنعتی و معدنی از نظرگاه‌های مختلف و با توجه به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و تبعات احتمالی آن سنجیده شده است.

در ادامه به مقالات و پژوهش‌های مرتبط با هر کدام از این دسته‌بندی‌ها اشاره می‌شود:

جدول شماره ۱: رابطه بین اجتماعات محلی و شرکت‌های مرتبط با صنعت نفت و گاز (پژوهش‌های داخلی)

نویسندگان	عنوان پژوهش	سال انتشار	هدف	روش	یافته‌ها
شکل‌گیری جامعه دوگانه محلی-شرکتی و تداوم دوگانگی فضایی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و عدم انسجام و ادغام اجتماعی شهری	شکل‌گیری جامعه دوگانه در شهرهای نفتی ایران با تأکید بر شهرستان ماهشهر	۱۳۹۶	توصیف دوگانگی شهری در شهرستان ماهشهر	روش ترکیبی (کمی، کیفی)	شکل‌گیری جامعه دوگانه محلی-شرکتی و تداوم دوگانگی فضایی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و عدم انسجام و ادغام اجتماعی شهری
تحلیل جامعه شناختی پیامدهای حضور صنعت نفت فرضی و ازکیا بر توسعه اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی مناطق نفت خیز از منظر ذینفعان محلی	پیمادهای توسعه ناشی از صنعت نفت	۱۳۹۵	پیمادهای توسعه ناشی از صنعت نفت	نظریه زمینه‌ای	پیمادهای صنعت نفت بر روی ساکنان محلی: از قبیل احساس بیگانگی، احساس تبعیض و بی‌قدرتی، بی‌اعتمادی عمومی
بررسی تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تأسیسات صنعتی بر فرایند توسعه (نمونه موردی: شهرستان جم)	بررسی تأثیرات (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) تأسیسات صنعتی بر توسعه شهرستان جم	۱۳۹۵	بررسی تأثیرات (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) تأسیسات صنعتی بر توسعه شهرستان جم	نظریه زمینه‌ای	پیمادهای متناقض توسعه صنعتی: ایجاد اشتغال و تبعات اجتماعی و زیست محیطی

ادامه جدول شماره ۱

نویسندگان	عنوان پژوهش	سال انتشار	هدف	روش	یافته‌ها
طالبیان و فاضلی	اهمیت راهبردی تحلیل پیامدهای اجتماعی دیدگاه‌های نظری حاکم بر توسعه صنعت نفت و گاز	۱۳۹۲	بررسی نارضایتی اجتماعات محلی از شیوه توسعه صنعت نفت در این مناطق و شناسایی علل بروز این نارضایتی	ارزیابی تأثیر اجتماعی	افزایش آسیب‌های اجتماعی، فقدان خدمات رفاهی، افزایش بیکاری بومیان، گسترش توسعه قطب رشد با رویکرد نیاز مبنای، شکل‌گیری زنجیره تدارکات محلی
محسنی تبریزی و فرامرزی	نقش صنعت نفت در توسعه اجتماعی-اقتصادی شهر گچساران از دیدگاه شهروندان	۱۳۹۱	بررسی نقش صنعت نفت در توسعه اجتماعی-اقتصادی شهر گچساران	کمی (پیمایش) نامتوازن و نابرابری در فرصت‌های زندگی	شکل‌گیری توسعه
معیدفر	نفت، دوگانگی، مقاومت و وابستگی: نتایج دو بررسی در بهرگان و عسلویه	۱۳۸۹	بررسی پیامدهای توسعه ناموزون در مناطق نفت خیز	روش ترکیبی (کمی، کیفی) دوگانگی، مقاومت و وابستگی	پیامدهای توسعه‌ای صنایع نفت و گاز:

جدول شماره ۲: رابطه بین اجتماعات محلی و شرکت‌های مرتبط با صنعت نفت و گاز (پژوهش‌های خارجی)

نویسندگان	عنوان پژوهش	سال انتشار	هدف	روش	یافته‌ها
چدی ندیب و همکاران ^۱	ادراکات یکپارچه اجتماع و تنوع فرهنگی در ارزیابی تأثیر اجتماعی در نیجریه	۲۰۱۵	واکاوی ادراک و تنوع فرهنگ محلی در فرایند ارزیابی تأثیر اجتماعی	ارزیابی تأثیر اجتماعی	تضعیف ابعاد اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی طرح‌های توسعه‌ای مرتبط با اجتماعات محلی، عدم مشارکت مردم محلی در فرایند توسعه
کلمان و همکاران ^۲	ادراکات اجتماع محلی نسبت به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در منطقه نفتی قطب جنوب	۲۰۱۶	بررسی ادراکات اجتماع محلی در مورد مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌های مستقر در قطب جنوب	قوم‌نگاری: مطالعه موردی	برخورداری از مزایای صنعت نفت و شکل‌گیری دیدگاه مثبت به این صنعت، شکل‌گیری جامعه خودی و غیر خودی

1. Chidi Nzeadibe et al
2. Kelman et al

ادامه جدول شماره ۲

نویسندگان	عنوان پژوهش	سال انتشار	هدف	روش	یافته‌ها
پل دنا و همکاران ^۱	مطالعه‌ای در مورد تأثیر توسعه صنعت نفت و گاز بر روی ساکنان اولیه منطقه شمال غربی کانادا	۲۰۰۹	واکاوی دیدگاههای تفسیری ساکنان محلی در مورد توسعه صنعت نفت و گاز	قوم نگاری	درک مزایای کوتاه مدت ساخت خط لوله، نگرانی از تأثیرات بلندمدت این صنایع
لوئی و کلمان ^۲	تأثیرات اجتماع نفتی جنوبگان: ادراکات معنایی افراد محلی منطقه هامرفست نروژ	۲۰۱۶	درک تأثیرات معنایی افراد در مورد توسعه صنعت نفت	مطالعه موردی	حمایت افراد محلی از فعالیت‌های صنعت نفت، مخالفت گروه‌های بیرونی نسبت به عملکرد این صنایع و تأثیرات زیست محیطی آن
اوکسه ^۳	چالش‌های محیط زیستی و اجتماعی مرتبط با اکتشاف نفت و گاز در کنیا	۲۰۱۵	ارزیابی تأثیرات منفی بالقوه حاصل از توسعه اجتماعی-اقتصادی صنایع نفت و گاز	ارزیابی تأثیر اجتماعی	ضعف نهادها، فقدان مشارکت اجتماعی مردم، ارتباطات ضعیف، نظام حکمرانی ضعیف
ون بن و هادیکوسومو ^۴	فرهنگ سازه‌های مهندسی مرتبط با پروژه‌های نفت و گاز در ویتنام: نظریه زمینه‌ای	۲۰۱۷	درک و شناسایی تأثیر فرهنگ بر سازه‌های مهندسی نفت و گاز	نظریه زمینه‌ای	عوامل فرهنگی تأثیر گذار بر سازه‌های مهندسی: رهبری، سازمان، برنامه ریزی، ارتباطات، منابع انسانی
اسپنگلر و پامپر ^۵	مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و صنعت نفت: نظریه و چشم اندازی بر اساس یک مطالعه طولی	۲۰۱۱	توسعه نظریه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها	مطالعه طولی	در شرایط بحرانی مرتبط با صنایع نفتی نظریه مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها و ادراکات اجتماع برجسته می‌شود.

1. Paul Dana et al
2. Loe & Kelman
3. Okuthe
4. Van Bon & Hadikusumo
5. Spangler & Pompper

جدول شماره ۳: رابطه بین اجتماعات محلی و انواع صنایع

نویسندگان	عنوان پژوهش	سال انتشار	هدف	روش	یافته‌ها
کمپ و اوون ^۱	روابط اجتماع محلی با صنعت معدن کاری: هسته‌ای برای تجارت	۲۰۱۳	بررسی روابط اجتماع محلی و ارتباط آن با توسعه معادن	مطالعه مورد(مبتنی بر مشاهده مشارکتی)	مزیت‌ها و محدودیت‌های این صنعت در اجتماع محلی، ضرورت پیدایش روابط اجتماع محلی و ارتباط آن با کارکردهای توسعه
ونتورا و جورگی ^۲	روابط بین اجتماع محلی و شرکت‌های تجاری در صنایع استخراجی: یک مطالعه موردی در پرو	۲۰۱۷	روابط شکل گرفته میان شرکت‌های فعال در صنایع استخراجی و خانواده‌های روستایی	مطالعه موردی	روابط ناشی از اتحاد و شکل‌گیری روابط مبتنی بر اخلاق و انسان دوستی و تأثیر آن بر مدیریت تضادهای اجتماعی
آنگلوسکی ^۳	فهم پویایی‌های مرتبط با مواجهه اجتماعات محلی با شرکت‌ها: رابطه مداوم بین فرایندهای گفتگویی و اعتراضات کنشگران محلی در مورد معدن مس تینتایای پرو	۲۰۱۱	بررسی فرایندهای گفتگو میان اجتماعات و شرکت‌های مرتبط با صنعت مس و فهم مقاومت و مخالفت کنشگران محلی	قوم‌نگاری	مقاومت کنشگران، تقویت آزاد اندیشی، ارتقای فرهنگی و کاهش تمایزات قدرت

چارچوب مفهومی پژوهش

در این پژوهش از چارچوب و رویکرد تفسیرگرا استفاده شده است. محققان کیفی برخورداری از یک چارچوب نظری از قبل تعیین شده را برای تحقیق مضر می‌دانند. آنان معتقدند که این امر ممکن است محقق را بسیار محدود کند و یافته‌های او تناسب اندکی با دیدگاه‌های شرکت کنندگان در تحقیق داشته باشد. اساساً رویکرد کیفی تحقیق معتقد به فرایندی است که طرح و آزمون نظریه همراه با گردآوری اطلاعات انجام می‌شود (ایمان، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

1. Kemp & Owen
2. Ventura & Jauregui
3. Anguelovski

در بررسی‌های کیفی به جای چارچوب نظری برای تدوین و آزمون فرضیه‌ها، از چارچوب مفهومی برای استخراج پرسش یا پرسش‌های پژوهش استفاده می‌شود (نوری ثانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۴ به نقل از ریچی و لوئیس، ۲۰۰۵).

نظریه نظام جهانی^۱ والرشتاین که طی آن اقتصاد جهانی را به دو بخش دولت‌های مرکزی و مناطق پیرامون تقسیم بندی می‌کند یکی از نظریاتی است که می‌توان به بخشی از آن در این پژوهش استناد کرد. مناطق مرکزی که از ویژگی‌هایی همچون فن آوری پیشرفته، سرمایه فراوان و متمرکز، تولید انبوه صنعتی و وجود یک طبقه سرمایه دار قدرتمند برخوردار بود بر مناطق پیرامونی که اصولاً تک محصولی بوده، بر کشاورزی و تولید مواد خام متکی بوده و فقدان سرمایه و خیل عظیم دهقانان و کارگران فقیر در آن وجود دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۷: ۳۱۳-۳۱۴) سیطره و تسلط دارند. به نظر والرشتاین نابرابری اصل اساسی و نیروی محرکه این نظام است. به نظر می‌رسد صنایع نفت و گاز نیز به نوعی بخشی از پیامدهای این مدل اقتصادی دوگانه مرکز / پیرامون را در سطح منطقه‌ای در خود جای داده‌اند.

نظریه دیگری که در پژوهش حاضر قسمتی از آن قابل ارجاع می‌باشد، نظریه کارکردگرایی مرتون است که معتقد است در یک ساختار اقتصادی صنعتی و نابسامان که آرزوها و خواسته‌های افراد و گروه‌های جامعه با مواهب و پاداش‌های موجود تطابق نداشته باشد، در چنین حالتی تعارض میان آرزوها و خواسته‌های رو به رشد و نابرابری‌های پابرجا، احساس محرومیت نسبی را ایجاد می‌نماید (گیدنز، ۱۳۸۷: ۳۰۰-۳۰۳). در چنین حالتی او معتقد بود که در برابر تنش‌ها و تعارض‌هایی که میان ارزش‌های پذیرفته شده اجتماعی و وسایل محدود دسترسی به این ارزش‌ها بروز می‌کند، پنج واکنش از سوی اجتماعات انسانی امکان پذیر است که عبارتند از: همنوایی، بدعت گذاری، مناسک پرستی، عزلت جویی و شورش (همان: ۳۰۲). بسته به شرایط و موقعیتی که ذینفعان و کنشگران در آن قرار دارند، نسبت به این ساختار اقتصادی واکنش نشان می‌دهند. ابداع و نوآوری هنگامی که هدف پذیرفته شده لیکن ابزارها و وسایل دستیابی هدف پذیرفته نشده باشد. واخوردگی یا عزلت گزیدن هنگامی که هدف و وسایل هیچ کدام پذیرفته نشده باشد. طغیان یا سرکشی اهداف و وسایل هر دو دچار تغییر شده و نوع جدیدی از وحدت میان اهداف جدید و وسایل و ابزارهای تازه می‌تواند شکل بگیرد (توسلی، ۱۳۸۴: ۲۳۶). مرتن می‌خواهد با بررسی نوع شناسی صور انطباق فردی نشان دهد که ممکن است آثار نظام یافته‌ای بر رفتار اجتماعی مترتب باشد که حاصل بر هم خوردن وحدت و انسجام جامعه است، و آن نتیجه طرد اهداف یا نوع وسایلی است که برای کسب موفقیت به کار رفته است (همان: ۲۳۶). بنابراین، مبتنی بر رویکرد کارکردگرایی مرتونی می‌توان اینگونه مسئله را طرح نمود که با ورود صنایع نفت و گاز به مناطق کمتر توسعه یافته بین اهداف و وسایل دستیابی به اهداف در میان ذینفعان

محلی و شرکت‌های نفتی، نوعی تعارض و ناسازگاری منافع ایجاد می‌شود که پیامد نهایی آن از دید این ذینفعان نوعی توسعه اقتصادی ناپایدار خواهد بود.

روش‌شناسی

روش‌شناسی پژوهش حاضر کیفی است و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش نظریه زمینه‌ای و جهت گردآوری داده از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. مشارکت کنندگان در این پژوهش، شامل دهیاران بخش مرکزی شهرستان سرخس می‌باشند که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم پیامدهای صنعت نفت و گاز را در زیست جهان محلی خود تجربه نموده‌اند. جهت انتخاب نمونه‌ها نیز از روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ و در راستای گردآوری داده‌های مناسب از روش نمونه‌گیری نظری^۲ استفاده گردید. در این پژوهش پس از انجام مصاحبه با ۱۹ نفر از دهیاران، اشباع نظری^۳ حاصل گردید. پس از بررسی مصاحبه‌ها، تحلیل داده‌ها در قالب مراحل سه گانه کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام گردید.

در این مطالعه جهت دستیابی به معیارهای قابلیت اعتماد، از دو معیار کنترل یا اعتباریابی توسط مشارکت کنندگان و بازبینی توسط متخصصان استفاده شد. در روش اعتباریابی توسط اعضا از مشارکت کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و نظرات خود را در این زمینه بیان نمایند. چند متخصص مرتبط با نظریه زمینه‌ای نظارت کلی خود را بر مراحل کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات اعمال نمودند. علاوه بر این، برای اطمینان بیشتر از رویکرد مقایسه‌های تحلیلی^۴ نیز استفاده شد که طی آن به داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده رجوع گردیده تا این داده‌های خام با ساختار نظریه نهایی مورد ارزیابی و مقایسه قرار گیرند.

ویژگی‌های مشارکت کنندگان

مشارکت کنندگان در این پژوهش شامل ۱۹ نفر از دهیاران بخش مرکزی شهرستان سرخس می‌باشند که پیامدهای صنعت نفت و گاز را تجربه نموده‌اند. دامنه سنی آنها بین ۲۴ تا ۴۷ سالگی قرار دارند. از نظر تحصیلی نیز مشارکت کنندگان دارای مدارک تحصیلی دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس می‌باشند. و از نظر شغلی نیز در رده مشاغل دامداری و کشاورزی، آزاد قرار می‌گیرند. دهیاران به نوعی تحت تاثیر فرایندهای صنعت نفت و گاز قرار گرفته بودند.

1. Purposive Sampling
2. Theoretical Sampling
3. Theoretical Saturation
4. Analytical Approach

جدول شماره ۴: مشخصات مصاحبه شوندگان

ردیف	سن	تحصیلات	شغل
۱	۳۲	لیسانس	دامداری
۲	۳۳	دیپلم	دامداری و کشاورزی
۳	۳۲	دیپلم	بیکار
۴	۳۶	فوق دیپلم	آزاد
۵	۳۴	لیسانس	آزاد
۶	۳۴	دیپلم	دامداری
۷	۴۵	دیپلم	کشاورزی
۸	۲۴	دیپلم	دامداری و کشاورزی
۹	۴۴	لیسانس	دامداری و کشاورزی
۱۰	۴۱	لیسانس	دامداری و کشاورزی
۱۱	۳۷	فوق دیپلم	آزاد
۱۲	۳۶	فوق دیپلم	دامداری
۱۳	۴۷	فوق دیپلم	دامداری و کشاورزی
۱۴	۳۷	لیسانس	بیکار
۱۵	۴۰	دیپلم	دامداری
۱۶	۲۹	لیسانس	دامداری و کشاورزی
۱۷	۴۵	لیسانس	آزاد
۱۸	۳۶	لیسانس	دامداری و کشاورزی
۱۹	۳۰	لیسانس	کشاورزی

یافته‌های تحقیق

شرایط علی و مداخله‌گر تاثیرگذار بر شکل‌گیری ساختار اقتصادی دوگانه (در صنعت نفت و گاز)^۱

منظور مجموعه شرایطی است که زمینه ساز، تأثیرگذار و تسهیل‌گر بر اقتصاد دوگانه منطقه می‌باشد. در رابطه با شرایط علی، ۶ مقوله کدبندی شده‌اند تا بر مبنای آن بسترهای این اقتصاد

۱. در اینجا منظور از ساختار اقتصادی دوگانه، ساختاری است که در یک سوی پیوستار آن بخش مدرن و مرکزی قرار دارد که تحت سیطره و غلبه صنعت نفت و گاز و طی تعامل و استراتژی‌های شکل گرفته با ذینفعان محلی، عده‌ای از این کنشگران در آن جذب شده و منطبق با ساختارهای آن به سازگاری و ادغام روی آورده‌اند. در سوی دیگر، بخش سنتی و پیرامونی اقتصاد قرار دارد که بسیاری از ذینفعان محلی توسط آن احاطه شده‌اند و اصولاً اقتصادی معیشتی و مبتنی بر دامداری و کشاورزی سنتی است.

دوگانه از منظر مشارکت کنندگان مورد بازسازی معنایی قرار گیرند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۵: مقوله‌های شناسایی شده شرایط علی مرتبط با صنایع نفت و گاز

مفاهیم	مقوله
ضعف سرمایه، ضعف روابط عمومی، ضعف در چانه زنی	فقدان قدرت چانه زنی
جایگاه پایین شغلی، حقوق پایین، تحصیلات پایین	عدم تحرک اجتماعی
رقابت طایفه‌ای، نفوذ فرهنگ خاص محلی، رابطه مداری قومی/محلی	نفوذ و اقتدار قومی
کاهش هزینه‌ها، منفعت طلبی پیمانکاران، تعدیل نیروی انسانی	منفعت طلبی شرکت‌ها
عدم پاسخگویی، عدم پذیرش فرهنگ محلی، قدرت لابی‌گری، تبانی با پیمانکاران	نفوذ و اقتدار شرکتی
مسالمت جویی، قناعت‌پیشگی، مقتصد بودن	برجستگی خلیقات قومی/طایفه‌ای

فقدان قدرت چانه زنی کنشگران محلی

یکی از مقوله‌هایی که بسیاری از پاسخگویان به آن اذعان می‌نمودند احساس ضعف در روابط و تعاملات شکل گرفته با ساختارهای صنعت نفت و گاز می‌باشد چرا که فقدان سرمایه اقتصادی کافی، ضعف در ارتباط‌گیری موثر و عدم برخورداری از روابط عمومی مطلوب باعث شده که ذینفعان محلی از مزایای اقتصادی پالایشگاه چندان برخوردار نگردند.

دهیار ۳۲ ساله و دیپلم: «الان نیروهای کارگری اصلا از منطقه ما نیست همان‌ها که سی سال پیش کارگری رفته‌اند همان‌ها هستند. و ما قدرت این را نداریم که با مدیران شرکت برای استخدام ارتباط برقرار نمائیم».

دهیار ۳۶ ساله و فوق دیپلم: «آنها [شرکت‌های نفت و گاز] فکر می‌کنند که قدرت سرمایه‌گذاری محلی‌ها پایین است، قدرت روابط عمومی شان آن قدر بالا نیست».

نفوذ و اقتدار قومی

منظور مکانیسم‌هایی است که از طریق آن یک قومیت توانسته است به میانجی رقابت، نفوذ و رابطه مداری از مزایای اقتصادی پالایشگاه بهره برده و از این طریق اقتدار و نفوذ آن در سطح منطقه افزایش یافت است.

دهیار ۲۹ ساله و لیسانس: «در بحث نیرو گرفتن واقعا بحث پارتی و پارتی بازی است. اینو من به عینه لمس کردم. سه بار رفتم مصاحبه و دوبار را قبول دارم که واقعا

حکم نبود ولی دفعه سوم از من دعوت به کار شد بعد روی حساب ... نامی که پدرش از طایفه خاصی بود و ۳۰ سال خدمت کرده بود این آقا را به جای من جا زدند».

دهیار ۳۰ ساله و لیسانس: «من که مثلاً عضو طایفه... هستم سعی می‌کنم از طایفه خودم نیرو برای شرکت جذب کنم. این طایفه... یک جماعتی هستند که اگر من مثلاً کاری را صد هزار تومان قیمت‌اش است و بخواهم انجام دهم به خاطری که بیایند خودشان را ثابت کنند با پنجاه هزار تومان این کار را انجام می‌دهند».

منفعت طلبی شرکت‌ها

تلاش شرکت‌های پیمانکاری برای کاهش هزینه‌ها و افزایش سود باعث شده است که جهت‌گیری رویکردهای اقتصادی صنعت نفت و گاز به نفع آن شرکت‌ها سوق داده شود. و به تبع آن اخراج و تعدیل نیروی انسانی یکی از پیامدهای اینگونه رویکردهای منفعت طلبانه بوده است.

دهیار ۲۹ ساله و لیسانس: «من خودم کار کرده‌ام مثلاً یک قسمت شرکت... بود ما باید ۴ نگهبان می‌بودیم ولی ۳ نفر بکارگیری نمودند پیمانکار می‌گفت می‌خایی بخواهید نمی‌خواهید بروید».

دهیار ۴۵ ساله و لیسانس: «شرکتی وجود داشت که تمام تلاشش این بود که از همان دور و بر نیرو بگیرد که کرایه ماشین و اینها ندهد».

نفوذ و اقتدار شرکتی

شرکت‌های مستقر از طریق ساز و کارهایی همچون عدم پاسخگویی به محلی‌ها، عدم پذیرش فرهنگ محلی، ارتباط‌گیری و تبانی با پیمانکاران توانسته‌اند بر اقتدار و نفوذ خود در صنایع نفت و گاز بیفزایند.

دهیار ۳۵ ساله و دیپلم: «اون غیربومی‌هایی که اینجا می‌آیند یعنی به هیچ عنوان این فرهنگ را قبول ندارند و نه رفتار مردم را برای خودشان یک تافته جدا بافته‌ای هستند».

دهیار ۲۴ ساله و دیپلم: «پیمانکاران پالایشگاه بیشتر کسانی هستند که با بالا رابطه دارند».

برجستگی خلیات قومی/طایفه‌ای

بعضی از طوایف مجاور پالایشگاه از روحیه اقتصادی خاصی برخوردار می‌باشند به طوری که این خلیات معمولاً در سازگاری و همزیستی مسالمت‌آمیز آنان با پیمانکاران مؤثر بوده و پیامد آن ذینفع شدن از اقتصاد صنعتی منطقه می‌باشد. تحلیل مصاحبه‌ها نشانگر آن است که ذینفعان

محلی مجاور شرکت‌ها که اکثریت آنها از یک طایفه می‌باشند از روحيات مسالمت جویانه برخوردار بوده و کمتر با پرسنل و محیط پالایشگاه در تعارض و تضاد می‌باشند.

دهیار ۳۷ ساله و فوق دیپلم: «یک خورده‌ای این طایفه... آرام‌تر هستند یعنی نسبت به منطقه ما مردمش آرام‌تر هستند».

دهیار ۳۲ ساله و لیسانس: «چون طایفه ... نزدیک به پالایشگاه هستند و از نظر خشونت‌ها هم کمی آرام‌تر هستند و در مقایسه با سایر طوایف شهرستان مسالمت‌آمیزتر برخورد می‌نمایند. از طرف دیگر اینها با کم هم سازگارند. مثلاً اگر به من بگویند به شما ماهی دو میلیون می‌دهم فرد... با یک میلیون و پانصد تومان می‌رود».

شرایط مداخله گر تقویت کننده ساختار اقتصادی دوگانه

منظور شرایط و بسترهایی است که مبتنی بر آن ظهور این ساختار دوگانه در صنعت نفت و گاز، تقویت و تسهیل شده است. تجربه زیسته دهیاران و معانی ذهنی شکل گرفته مبنی بر این تجربه نشان می‌دهد که این شرایط فرایند برساخته شدن اقتصاد صنعتی را به نفع گروه‌های ذینفع و به ضرر گروه‌های کم برخوردار تقویت می‌نماید. تحلیل یافته‌های این پژوهش در رابطه با این شرایط مداخله‌گر شامل ۶ مقوله کدبندی شده می‌باشد که به واسطه آن ساختار اقتصادی را از دیدگاه مشارکت کنندگان معنا سازی نموده است.

جدول شماره ۶: مقوله‌های شناسایی شده شرایط مداخله‌گر مرتبط با صنایع نفت و گاز

مفاهیم	مقوله
تأثیرات مخرب زیست محیطی، اتخاذ رویکردهای صرف اقتصادی، عدم توجه به آموزش، عدم انجام اقدامات عمرانی و اجتماعی به ذینفعان محلی	عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی
احساس تبعیض، فقدان شایسته‌سالاری، عدم نفوذ اداری، رابطه مداری	فقدان قدرت اجتماعی
ضعف زیرساخت‌های منطقه‌ای	خدمات‌رسانی به روستاهای مجاور، ضعف خدمات‌دهی به روستاهای غیرمجاور، توزیع نابرابر منابع
عدم اعتماد به بومی‌ها، اعتماد به غیربومی‌ها، اعتماد به گروه‌های ذینفع قومی	بی‌اعتمادی اجتماعی
بکارگیری نیروهای غیربومی، تغییر بافت جمعیتی بر اثر ورود نیروهای غیربومی، تحرک شغلی سریع غیربومی‌ها، مدیریت ارشد غیربومی	رویکرد غیربومی‌گرایی
فقدان نظارت رسمی، فقدان نظارت قانونی	فقدان نظارت

عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی

دهیاری‌ها که وفق قانون به صورت خودکفا و با شخصیت حقوقی مستقل می‌باشند (اکبری و عبدالهی؛ ۱۳۸۷: ۱۵۸) و از این طریق نقش مردم در اداره امور محلی تغییر کرده است در این راستا امور روستا توسط اهالی و یا نمایندگان آنها اداره می‌شود (موسوی و طالشی؛ ۱۳۹۶: ۱۱۷). بنابراین دهیاران به عنوان مدیران محلی، عملکرد شرکت‌های مستقر در منطقه را از نزدیک مورد پایش و رصد قرار داده بودند، تجربه زیسته خود را اینگونه عنوان می‌نمودند که پالایشگاه و شرکت‌های پیمانکاری آن باعث آلودگی محیط زیست شده و تنها به منفعت و سود شرکت می‌اندیشند و هیچ توجهی به کنشگران محلی نداشته و به طور کلی در حوزه عمرانی، اجتماعی و خدماتی نتوانسته‌اند عملکرد مطلوبی را در جامعه محلی ارائه نمایند.

دهیار ۳۳ ساله و دیپلم: «اصلا خود پالایشگاه مضرترین مکان برای روستائیان شده و بوی بد گاز گوگرد خیلی افراد را مریض و بیمارستانی کرده و پالایشگاه هم اصلا اعتنایی نمی‌کند».

دهیار ۳۶ ساله و فوق دیپلم: «آنها فقط به فکر پر کردن جیب خودشان هستند مردم را رها کرده‌اند. انگار نه انگار که مردمی هم وجود دارند با ماشین‌های آخرین سیستم می‌آیند و می‌روند و مردم برایشان اهمیتی ندارد».

دهیار ۴۷ ساله و فوق دیپلم: «در روستا وقتی از پالایشگاه بخواهیم که در بعضی از طرح‌های عمرانی به صورت عام المنفعه شرکت کنند انگار که نم هم پس نمی‌دهند فقط در مواقع بحران و سیل به دولت کمک می‌کنند نه مردم».

فقدان قدرت اجتماعی

از منظر مصاحبه شوندهگان صنعت نفت و گاز و شرکت‌های وابسته به پالایشگاه محیط برابر و عادلانه‌ای محسوب نمی‌شدند چرا که در میان ذهنیت اکثر پاسخگویان نوعی احساس تبعیض بر ساخته شده است و به همین منوال معتقد بودند که اجتماعات محلی به دلیل نداشتن نفوذ اداری از یک سو و نیز رابطه مداری در نحوه بکارگیری و جذب نیرو، امکان ورود به محیط‌های پالایشگاهی را ندارند که این موضوع به تدریج به تضعیف رویکردهای شایسته سالارانه منجر شده و پیامد نهایی آن نیز ظهور نابرابری اجتماعی بوده است. پاسخگویان به عناوین مختلفی به این گزاره اشاره نموده‌اند.

دهیار ۴۰ ساله و دیپلم: «پارتی و پارتی بازی در همه جا وجود داره ولی اینجا خیلی بیشتره».

دهیار ۳۰ ساله و لیسانس: «اگر نماینده به آقای... زنگ بزند بگوید فلانی را جذب کن، شما صبح جذب و استخدام هستی، استخدام به خاطر شایسته سالاری نیست من که برای مصاحبه رفتم نیم ساعت در دفتر نشسته بودم می‌گفت آقا وقت ندارم برای

مصاحبه، بعد همین آقای ... که به جای من گرفته بودند با پدرش از بیرون آمد و به راحتی رفت داخل و با هم چنان گرم و صمیمی شدند یعنی برخوردشان با ارباب رجوع متفاوت است».

توزیع نابرابر منابع

خدمات دهی و تمرکز مسئولین صنایع نفت و گاز به بعضی از روستاهای مجاور پالایشگاه و نادیده انگاشتن سایر روستاهای شهرستان، احساسات منطقه‌گرایی از قبیل تمایز و شکاف بین بلوک‌های مرکز و پیرامون را در ذهن دهیاران تداعی کرده است که این امر به نوعی تسهیل‌گر ساختار اقتصادی دوگانه است.

دهیار ۴۵ ساله و دیپلم: «به دهستان خانگیران خیلی می‌رسند مثلاً وسایل پارکی می‌خواهند، لودری می‌خواهند چون دور و برشان هستند از طرفی می‌گویند چون بوی گوگرد اینها را اذیت می‌کند به هر حال یک ضررهایی به اینها می‌رسانیم پس خدمات به آنها می‌دهند».

دهیار ۳۷ ساله و لیسانس: «بعضی از روستاها از پالایشگاه قیر رایگان گرفته‌اند ولی روستای ما تعلق نگرفته است به بعضی‌ها غذا و لباس داده‌اند».

بی‌اعتمادی اجتماعی

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که این مفروض اعتماد بر شرایط ساختار اقتصادی تأثیرگذار بوده است.

دهیار ۴۱ ساله و لیسانس: «بومی‌ها را نمی‌گیرند چون زیرآب‌شان را می‌زنند. بیشتر غیربومی‌ها را جذب می‌کنند. بعضی‌ها حتی مصاحبه هم رفته‌اند ولی بعدا رد شده‌اند. قومیتی بودن بعضی‌ها هم تأثیر دارد».

دهیار ۳۴ ساله و دیپلم: «در گذشته نگاهشان به بومی‌ها بهتر بوده است. ولی حالا به خاطر خشونت‌ها که سرخس طایفه‌ای است می‌گویند اگر اینها را زیاد بها بدهیم احتمالاً اینجا هم با هم درگیر شوند».

رویکرد غیربومی گرایی

اکثر مشارکت‌کنندگان تحقیق اظهار نمودند که بکارگیری نیروهای غیربومی باعث تغییر بافت جمعیتی منطقه شده و به واسطه این شرایط تحرک شغلی و کسب پست‌های ارشد مدیریتی

متعلق به کنشگران غیرمحلی شده است که این شرایط امکان تقویت ساختارهای اقتصادی ناپایدار را فراهم نموده است.

دهیار ۳۶ ساله و لیسانس: «پیمانکاری که می‌آید به عناوین مختلف می‌خواهند نیرو از خودش بیاورد. دستش هم باز است می‌گوید فنی است. مثلاً یک مصوبه و راهکار قانونی هم برایش پیدا می‌کند».

دهیار ۳۴ ساله و لیسانس: «شهر را غیربومی برداشته است کم کم دارد جمعیت‌شان را زیاد می‌کنند. و در پالایشگاه هم که کار می‌کنند بیشترشان بهترین پست‌ها و بهترین ماشین‌ها و امکانات را در اختیار دارند. نهایتاً بچه‌های بومی، کارگر و خدماتی هستند».

فقدان نظارت

خصوصی‌سازی و برون‌سپاری شرکت‌های وابسته به نفت و گاز باعث شده است که نظارت رسمی و قانونی بر محیط‌های کاری و کارگری آنها کاهش یابد و پیمانکاران خصوصی تمایل کمتری به پاسخگویی و تحت نظارت قرار گرفتن دارند. وجود نظام خرده پیمانکاری بیشترین لطمه را به سازمان کار وارد می‌آورد. خرده پیمانکاران که عمدتاً قراردادهای خود را از طریق رشوه، رابطه و پارتی بازی کسب می‌کنند برای اجرای آن به استثمار و بهره‌کشی از کارگران متوسل می‌شوند و موجبات نارضایتی و خشم و دل‌سردی آنها را فراهم می‌سازند. لذا دولت باید نظارت دقیق‌تر و بیشتری بر روی پیمانکاران اعمال نماید (صادقی فسایی، ۱۳۸۵: ۱۴۴). به اعتقاد بسیاری از دهیاران، جهت کاهش این شکاف‌های ساختاری و اقتصادی باید قانونگذاران و سیاستگذاران اجتماعی شرایط کاری شرکت‌ها را از طریق مکانیسم نظارت و قانونگذاری، قاعده‌مند سازند.

دهیار ۳۳ ساله و دیپلم: «باید مجلس قانونی تصویب کند که اهرم فشاری باشد که در شهرستان هزینه کنند در غیر این صورت فکر نکنم تأثیری بر زندگی مردم بگذارد. باید نظام‌مند و قانونی و از طریق دولت با این‌ها برخورد شود».

دهیار ۲۴ ساله و دیپلم: «چون نه جواب فرماندار را می‌دهند. به هیچ کس پاسخگویی ندارند. چون قانونی نیست. اهرم فشاری نیست. باید بازرسی و قانونی باشد که درآمد آن را برای روستاهای شهرستان هزینه نمایند».

تعاملات و استراتژی‌های ذینفعان محلی

تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که مصاحبه شونده‌گان به دو شیوه و راهبرد نسبت به ساختار اقتصادی دوگانه متأثر از صنعت نفت و گاز واکنش نشان داده و زیست جهان خود را بر آن مینا

معنا سازی نموده‌اند. عده‌ای ضمن اعتراض در مقابل این ساختارهای ظهور یافته، از خود مقاومت نشان داده و با آن مخالفت نموده‌اند. اما در مقابل کنشگران دیگر به صورت منفعلانه در مقابل این ساختارهای دوگانه تسلیم شده‌اند و در ذهنیت آنها نوعی احساس بی‌قدرتی، سرخوردگی، ناامیدی و پذیرش شرایط موجود، نقش بسته است.

جدول شماره ۷: تعاملات مرتبط با ساختارهای اقتصادی دوگانه متأثر از صنعت نفت و گاز

مفاهیم	مقوله
کنشگری فعال، اعتراض، نارضایتی، مخالفت، ظلم ستیزی	مقاومت
احساس بی‌قدرتی، احساس سرخوردگی، تسلیم، پذیرش، ناامیدی، ظلم پذیری	انفعال

دهیار ۳۵ ساله و دیپلم: «بیشتر طایفه... هر چه آنها می‌گویند، می‌گویند چشم، بحث ستم‌هایی که به کارگران بدبخت و بیچاره می‌شود آنها می‌گویند چشم».

دهیار ۲۹ ساله و لیسانس: «خوب من نوعی را می‌گذارد کنار و اون که تو سری خور هست را بر سر کار می‌گذارد. من خودم غیرتم اجازه نمی‌داد و می‌دیدم که یک سرخسی دارد کارهای پست را برای یک ... انجام می‌دهد».

دهیار ۴۷ ساله و فوق دیپلم: «بارها شده است که به بعضی از کارگران حقوق چند ماه را نداده‌اند، آنها آنقدر ناامید و سرخورده هستند که می‌گویند ما هم از ترس اینکه ما را بیرون کنند، مجبوریم چیزی نگوئیم. بعضی‌ها اعتراض کرده‌اند که آنها خارج شده‌اند».

دهیار ۴۴ ساله و لیسانس: «مردم در مقابل شرکت‌ها مقاومت نمی‌کنند چون حمایت نمی‌شوند، پشتیبان ندارند، هرکس مقاومت کند خودش خراب می‌شود یک دست هم صدا ندارد کسی صدای مردم را نمی‌شنود».

پیامدهای ساختار اقتصادی دوگانه

یافته‌های پژوهش در زمینه پیامدهای اقتصادی متأثر از پالایشگاه در ۱۱ مقوله کدبندی شدند که به شرح جدول ذیل عنوان می‌گردد.

جدول شماره ۸: مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با پیامدهای صنعت نفت و گاز

مفاهیم	مقوله
ظهور قشر جدید شرکتی، ظهور قشر جدید روستایی، ظهور قومیت‌های غیربومی، ظهور قشر کارگر، ظهور قشر ممتاز روستایی	ظهور قشرهای جدید
رویکرد ضدقومی، احساس ناامنی و ترس، اهانت فرهنگی، تنفر و بدبینی، نگرش	تعارض فرهنگی
منفی نسبت به فرهنگ محلی	

ادامه جدول شماره ۸

مفاهیم	مقوله
ظهور قشر بازنشستگان پیمانکار، ظهور قشر وابستگان کارمندان	ظهور پیمانکاران شبه دولتی (خصوصی)
بهره کشی از کارگر، فقدان نظارت بر روابط کار، ظلم به نیروی کار، عدم پرداخت مزایا و اضافه کار کارگری	استثمار نیروی کار
تعدیل نیرو، ناپایدار بودن شرایط کار، سیال بودن نیروی کار، ناامنی شغلی	موقتی سازی نیروی کار
تنش آفرینی، حس انتقام جویی، تضاد منافع	تعارض منافع
پذیرش نسبی فرهنگ غریبه، طرد غیربومی ها	تعارض هویتی
تقویت اقتصاد محلی مجاور پالایشگاه، تأثیر حداقلی بر اقتصاد محلی منطقه، رونق نسبی بخش املاک و ساخت و ساز، ارزان سازی نیروی کار، اشتغال زایی محدود و گزینشی، ارائه خدمات جزئی	تقویت اقتصاد محلی دوگانه (اقتصاد مجاور/غیرمجاور)
اتخاذ رویکرد صادراتی، تقویت پیمانکاران ملی، حضور پیمانکاران و کارشناسان خارجی	تقویت اقتصاد فرامحلی
تأثیرات مخرب زیست محیطی، افزایش آلاینده‌های صنعتی، انتشار بوی گوگرد	تأثیرات اکولوژیکی
احساس حقارت، پذیرش حقارت، اتخاذ رویکرد تحقیرآمیز، از هم گسیختگی هویت	فروپاشی هویت

ظهور قشرهای جدید

مصاحبه شوندگان معتقدند که قشرهایی همچون کارکنان وابسته به شرکت‌های نفت و گاز، قشرهای جدید جامعه روستایی، ورود قومیت‌های غیربومی، اقشار کارگر و ظهور اقشار ممتاز روستایی از پیامدهای اقتصادی این صنعت می‌باشد. در واقع با ورود صنعت نفت و شرکت‌های وابسته به آن جامعه یکدست و یکپارچه روستایی دچار تغییر و تحولات زیادی از نظر پایگاه اقتصادی و موقعیت شغلی شده است.

دهیار ۴۰ ساله و دیپلم: «من خودم چند ماه رفتم پیمانکاری یک کسانی هستند که خدا شاهده لهجه‌هایشان را نمی‌فهمیدم که این ترکه یا لره یک بود می‌گفت از اردبیل آمده‌ام».

دهیار ۳۶ ساله و لیسانس: «طایفه ... از طریق این شرکت‌ها پولدار شده‌اند. و بیشتر روی دامداری سرمایه‌گذاری می‌کنند ماشین می‌گیرند و با سرویس کار می‌کنند. ۵۰ درصد ماشین‌های پالایشگاه حداقل مال اینها است و اگر خشکسالی هم بیاید می‌توانند هزینه گوسفندان را تأمین نمایند».

دهیار ۳۳ ساله و دیپلم: «شرکت‌ها تمام تلاش‌شان این بوده است که از همان دور و بر نیرو بگیرند که کرایه ماشین و اینها ندهند. برای دور و بر منطقه خانگیران اشتغال

بد نبوده یعنی طوری که الان کارگر پیدا نمی‌کنید. به خاطر اینکه هم آشنا هستند با فرهنگ آن محلی‌ها و هم خود پیمانکاران شرکتی در داخل روستای... زندگی می‌کنند».

دهیار ۴۵ ساله و دیپلم: «ما خودمان یک بازنشسته پالایشگاه داریم آمده در روستا سرمایه‌گذاری کرده هم منطقه را شیک کرده و هم ۳ جوان مستقیم سر کار مشغول شده‌اند. حقوق بالایی که کارمندان بومی پالایشگاه می‌گیرند باعث ایجاد سرمایه‌گذاری می‌شوند. مثال مغازه ایجاد می‌کنند و از آن طریق کارگر می‌گیرند».

تعارض و ستیز فرهنگی

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که با ورود شرکت‌های تابعه نفت و گاز، در حوزه تعاملات فرهنگی-اجتماعی تعارضاتی در ذهنیت کنشگران محلی در مورد جامعه شرکتی و بالعکس شکل گرفته است که حاصل این میان ذهنیت پیامدهایی را به همراه داشته است از قبیل: ظهور احساسات ضدقومیت‌گرا، اهانت فرهنگی و...

دهیار ۳۷ ساله و فوق دیپلم: «دو سال پیش یکی از مسئولان پالایشگاه گفته بود که سرخس خود شهر که سگ داخل خیابان هست، مردمشان هم حرمت‌شان اندازه سگ است که طوماری را جمع‌آوری کردیم تا بر علیه‌اش شاکی شویم».

دهیار ۴۵ ساله و لیسانس: «به نظر من بالغ بر ۹۰ درصد مردم را این شرکتی‌ها، بدبخت و بیچاره فرض می‌کنند».

دهیار ۳۲ ساله و لیسانس: «در برنامه تلویزیونی به نام حالا خورشید یکی از کارکنان پالایشگاه به سرخسی‌ها توهین کرده بود. یکی از کارکنان گفته بود ما خانواده‌هایمان را به سرخس نمی‌آوریم با این مردم نمی‌توانیم زندگی کنیم».

ظهور پیمانکاران شبه دولتی (خصوصی)

تفسیر تجربه زیسته بسیاری از دهیاران حاکی است که استفاده از رانت و رابطه و نیز آشنایی با محیط اداری باعث شده است که پیمانکاران خاصی که معمولاً بعضی از آنها از بازنشستگان و یا وابستگان شرکت‌های نفت و گاز می‌باشند توانسته‌اند با نفوذ، شرکت‌های خصوصی پیمانکاری را ایجاد نمایند. یعنی بخشی از هویت این پیمانکاران در نهاد پالایشگاه قوام یافته و بخشی دیگر از طریق شرکت پیمانکاری و بخش خصوصی.

دهیار ۳۶ ساله و فوق دیپلم: «پیمانکاران از گروههایی هستند که آنجا کار می‌کردند و بعد از بازنشست شدن، پیمان را برداشته‌اند».

دهیار ۳۴ ساله و لیسانس: «فامیل بازی و قوم و خویشیت در کارهای پیمانکاری فراوان است. پیمانکارانی را می‌شناسم که به واسطه آشنا و فامیل بودن با فلان کارمند توانسته پیمانی را در پالایشگاه بردارند».

استثمار و موقتی‌سازی نیروی کار

تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن است که شرکت‌های مذکور از طریق سازو کارهای مختلف همچون تعدیل نیروی انسانی، عدم پرداخت حقوق و مزایای عادلانه، و بهره‌کشی از نیروی کار باعث شده‌اند که وضعیت نیروی کار بسیار شکننده شده که پیامد نهایی آن ناامنی شغلی بوده است.

دهیار ۳۶ ساله و فوق دیپلم: «اشتغال ایجاد کرده‌اند ولی کارگر را طوری استفاده می‌کنند که یعنی از یک کارگر اندازه ۲ کارگر کار می‌گیرند، اینها هم واقعا نظارت نیست».

دهیار ۳۴ ساله و دیپلم: «مثلا یک پیمانکار که عوض می‌شود پرسنل‌اش را اگر ۱۰۰ نفر است، ۵۰ نفر را از بیرون می‌آورد».

دهیار ۴۱ ساله و لیسانس: «برای روستای ما هم پیش آمده که شاید ۱۰ نفر کار می‌کرده‌اند، ۵ نفر را خواه ناخواه اینها الک کرده‌اند».

دهیار ۳۷ ساله و لیسانس: «پیمانکار هر چی دلش بخواهد حقوق می‌دهد. شاید از مزایایش بزند، از عیدی‌اش بزند، از اضافه کارش بزند برای خودش، مجبورند باید بسازند با این شرایط چون کار نیست».

تعارض منافع

تحلیل‌های حاصل از مصاحبه با دهیاران نشان می‌دهد که تعاملات و کنش‌های بین کارگران بومی و پیمانکاران شرکتی در بعضی از مواقع تنش، تعارض و حس انتقام‌جویی را بازنمایی می‌کند.

دهیار ۴۴ ساله و لیسانس: «بعضی وقت‌ها مسئولین شرکت‌ها کارهایی انجام می‌دهند که باعث کدورت کارگران می‌شود. مثلا طرف از حق و حقوق می‌خورد و حقش را بهش نمی‌دهد، در عوض آن کارگر اول کار دستش می‌رود به سرقت، چیزی که عوض دارد گله ندارد».

دهیار ۳۶ ساله و فوق دیپلم: «شرکت‌های پیمانکاری با اختلاف افکنی و از آب گل آلود ماهی می‌گیرند. بعضی وقتا کارگران را به جان هم می‌اندازند و خودشان نفع می‌برند».

تعارض هویتی

تفسیر معنای شکل گرفته در ذهن بسیاری از ذینفعان محلی نسبت به اجتماع غیربومی، نوعی هویت پارادوکس گونه را تداعی و بازنمایی می‌کند. از یک سو بعضی از آنها اذعان می‌کردند که به نوعی فرهنگ غریبه به صورت نسبی در اجتماع محلی مورد پذیرش قرار گرفته است و از سوی دیگر تعدادی نیز به طرد فرهنگ غیربومی اشاره می‌کردند. پیامد این شرایط دوگانه بر ساخت نوعی هویت پارادوکسیکال بوده است. یعنی هویت واحد و یکپارچه‌ای که بتوان از طریق آن دیدگاه این کنشگران محلی را در مواجهه با افراد غیربومی مورد تفسیر قرار داد در میان ذهنیت شان شکل نگرفته است و معانی مذکور اینگونه قابل تفسیر می‌باشد که در جریان کنش متقابل بین دو جامعه بومی و غیربومی تقابل و تعامل توأمان با هم ظهور یافته است.

دهیار ۴۷ ساله و فوق دیپلم: «سرخسی‌ها غریبه پرست هستند، با هر قوم و طایفه ناآشنایی سریع گرم و صمیمی می‌شوند».

دهیار ۲۴ ساله و دیپلم: «از مسئولین تقاضا داریم که کاری کنند که غیربومی‌ها نیایند، آنها که بیایند بیکاری و بدبختی هم می‌آید».

دهیار ۳۰ ساله و لیسانس: «همه جا آدم خوب و بد هست، نباید کلی‌گویی کرد و گفت مثلا آن فردی که از شهرستان دیگری آمده، اینجا به ضرر شهرستان ما تمام می‌شود».

دهیار ۳۳ ساله و دیپلم: «غیربومی‌ها خیلی وقت‌ها حق ما بومی‌ها را می‌خورند. در استخدام‌هایشان بیشتر اطرافیان و آشنایان شان را می‌گیرند. پالایشگاه پر شده از غیربومی‌ها. باید مسئولین و نماینده پاسخگو باشند».

تقویت اقتصاد محلی دوگانه (اقتصاد مجاور/غیرمجاور)

تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن است که تجربه همجواری با پالایشگاه و دور بودن از این مراکز صنعتی پیامدهای اقتصادی متعددی را در ذهنیت کنشگران محلی معنا سازی نموده است. یعنی زیست اجتماعی در مجاورت پالایشگاه اقتصاد محلی روستاهای همجوار را تا حدودی تحت تأثیر قرار داده است و باعث رونق نسبی بخش املاک و ساخت و ساز، اشتغال‌زایی محدود و گزینشی و ارائه خدمات جزئی گردیده است. به جای آن روستاها و مناطق غیرهمجوار مورد بی‌توجهی شرکت‌های نفت و گاز قرار گرفته و توسعه در آن مناطق به وقوع نپیوسته است. پیامد این وضعیت شکل‌گیری نوعی اقتصاد دوگانه و ناپایدار بوده است.

دهیار ۴۵ ساله و دیپلم: «این شرکت‌ها هیچ موقع نمی‌آیند برای روستا عمرانی هزینه کنند، می‌گویند بروید از محل دهیاری هزینه کنید».

دهیار ۳۷ ساله و فوق دیپلم: «پیمانکاران و پرسنل آنها بعضی وقت‌ها ماست محلی خرید می‌کنند و یا از مغازه برایشان وسایل می‌آورند».

دهیار ۴۰ ساله و دیپلم: «در املاک تأثیر داشته است ولی در روستاها باز هم در روستاهای منطقه خانگیان تأثیر داشته است»

فروپاشی هویت

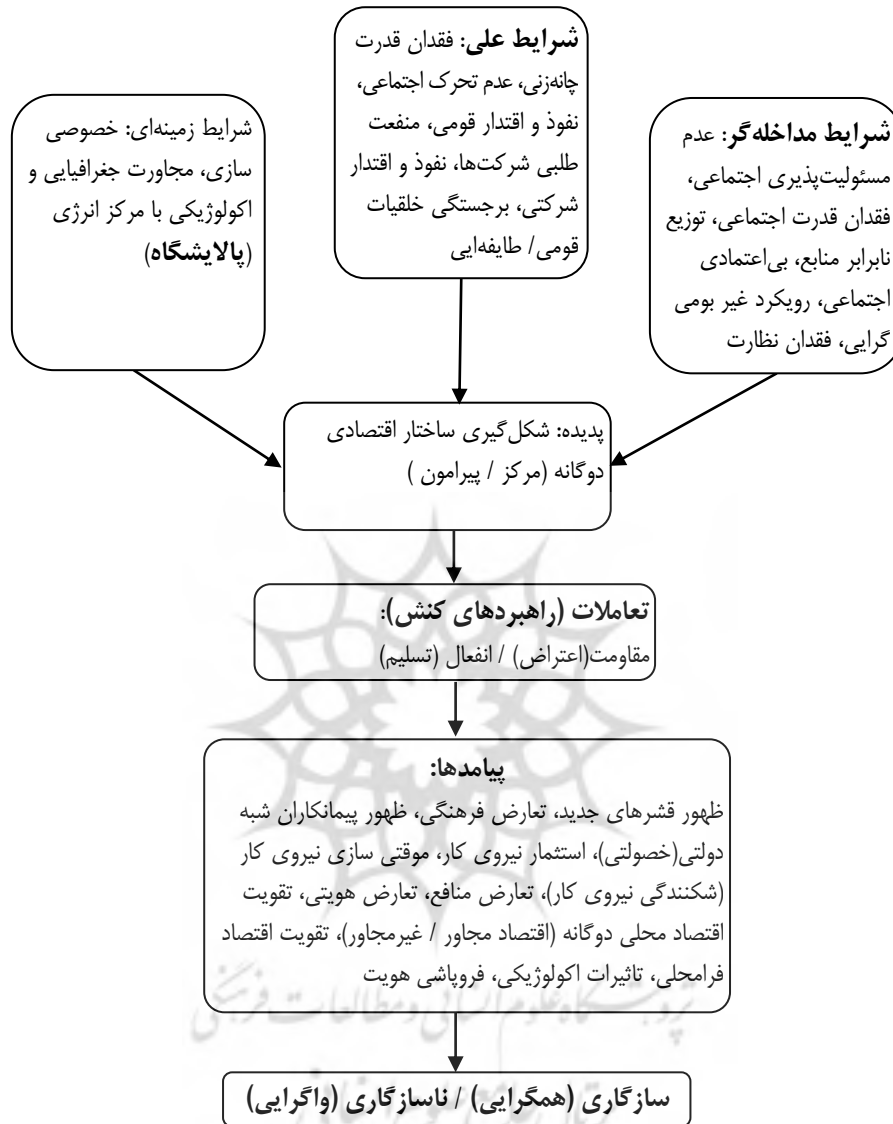
تفسیر و تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که ذینفعان محلی در طول زمان و طی تعامل و کنش با متصدیان صنعت نفت و گاز، هویت محلی آنها انسجام و یکپارچگی خود را از دست داده و از طریق ساز و کارهایی همچون احساس و پذیرش حقارت، و اتخاذ رویکردهای تحقیرآمیز غیربومی‌ها، این هویت دچار از هم گسیختگی می‌گردد.

دهیار ۳۳ ساله و دیپلم: «نسبت به خودشان ما را می‌گویند اول که می‌گویند بی‌سواد هستند، از نظر فرهنگی ما را کمتر دارند نسبت به خودشان. یک علت‌اش خود ما است. اونهایی که از شهرستان‌های دیگر می‌آیند سرخسی‌ها را در حد یک دهاتی می‌دانند».

دهیار ۳۴ ساله و لیسانس: «در رابطه با غیربومی‌ها چرا همچنین امکاناتی باشند ولی ما بی‌بهره باشیم انگار که آب باشد ولی ما تشنه باشیم این احساس به ما دست می‌دهد، احساس سرافکنندگی، احساس شرمندگی، چرا با وجود این منابع این شرکت‌ها به ما پاسخگو نیستند».

نظریه زمینه‌ای پژوهش

بر اساس مدل پارادایمی ظهور یافته می‌توان اینگونه اشاره نمود که پیدایش ساختار اقتصادی دوگانه (مرکز/پیرامون) متأثر از صنعت نفت و گاز، در منطقه سرخس و روستاهای اطراف آن منبعث از مجموعه‌ای از شرایط خاص می‌باشد. این شرایط در سه گروه قابل دسته‌بندی می‌باشند که عبارتند از: شرایط علی همچون فقدان قدرت چانه‌زنی، عدم تحرک اجتماعی، نفوذ و اقتدار قومی و... شرایط زمینه‌ای از قبیل فرایندهای خصوصی‌سازی (برون سپاری شرکت‌ها به بخش خصوصی) و مجاورت جغرافیایی و اکولوژیکی با پالایشگاه، و شرایط مداخله‌گر همچون عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی، فقدان قدرت اجتماعی، توزیع نابرابر منابع، بی‌اعتمادی اجتماعی، رویکرد غیربومی‌گرایی، و فقدان نظارت. که کلیه این شرایط طی فرایند درهم تنیدگی و برهم کنش با یکدیگر، پدیده‌ای به نام اقتصاد دوگانه را بازآفرینی نموده‌اند.



الگوی پارادایمی پیامدهای اقتصادی صنعت نفت و گاز در سرخس

با ظهور این نوع ساختار اقتصادی در منطقه، کنشگران محلی را واداشته است که در برابر آن تعاملات و استراتژی‌های مختلفی را به کار ببرند. در مقابل این پدیده اقتصادی دوگانه، عده‌ای استراتژی‌هایی همچون مقاومت، ابراز مخالفت و نارضایتی را از خود بروز داده‌اند و گروه دیگر به صورت منفعلانه در برابر این پدیده تسلیم شده‌اند. از دیدگاه مدیران محلی (دهیاران) این سنخ از پدیده اقتصادی متأثر از صنعت نفت و گاز برای زیست جهان اجتماعی آنها پیامدهای مختلفی را در پی داشته است که می‌توان آنها را در چند مقوله دسته بندی کرد که عبارتند از: ظهور

قشرهای جدید، تعارض فرهنگی، ظهور پیمانکاران شبه دولتی، استثمار نیروی کار، موقتی‌سازی نیروی کار (شکندگی نیروی کار)، تعارض منافع و... کنشگران محلی اقتصاد دوگانه مرتبط با صنعت نفت و گاز را به عنوان پدیده‌ای تفسیر می‌نمایند که از یک طرف در بافت آن افشار و طبقات جدید و ممتاز به وجود آمده‌اند که این ساختار بخشی از اقتصاد روستاهای مجاور پالایشگاه را متأثر ساخته و باعث تغییر در سبک زندگی و معیشت این مجاوران محلی شده و به طور کلی اقتصاد محلی را پویاتر نموده است.

اما از طرف دیگر از نظر مصاحبه شونده‌گان پیامدهای اقتصادی-اجتماعی منفی این صنعت از قبیل افزایش شکاف‌های طبقاتی، تعارض منافع و... باعث شده است که دیگر کنشگران محلی که تحت تأثیر پیامدهای مذکور قرار گرفته‌اند، ضمن عدم پذیرش ساختار اقتصادی دوگانه صنعت نفت و گاز، در برابر ساختار مذکور مقاومت و مخالفت نموده و متعاقب آن به واگرایی و ناسازگاری گرایش پیدا نموده‌اند.

با توجه به این موارد، مقوله‌ای که انتزاعی‌ترین سطح مفهومی دارد و تمام این مقوله‌ها را در بر می‌گیرد، مقوله سازگاری (همگرایی)/ناسازگاری (واگرایی) می‌باشد. براساس این مقوله، دهیاران، با درک و تفسیر تجربیات زیسته خود، اقتصاد دوگانه متأثر از صنعت نفت و گاز را به عنوان پدیده‌ای درک می‌کنند که دارای دو پیامد همگرایی (سازگاری)/ واگرایی (ناسازگاری) می‌باشد. این مقوله پاسخ نهایی به سؤال اصلی پژوهش، یعنی پیامدهای اقتصادی صنعت نفت و گاز در منطقه سرخس است.

بحث و نتیجه‌گیری

شواهد بسیاری نشان می‌دهد که در این منطقه که صنعت نفت و گاز در آن استقرار یافته است، خدمات اجتماعی و عمرانی از سوی این شرکت‌ها به بعضی از ذینفعان محلی ارائه شده است. در واقع به تدریج بخشی از مسئولیت‌های اجتماعی این صنعت در قبال اجتماع محلی به صورت ارائه خدمات بهداشتی، ارتقاء و تجهیز زیرساخت‌های آموزشی، رونق بخشی از اقتصاد محلی، مشارکت در بعضی از فعالیت‌های فرهنگی و عمرانی محلی و... ظهور و بروز یافته است و همان طور که قبلاً اشاره شد این شواهد با پژوهش‌های انجام شده در سایر مناطق نفت خیز نیز همخوان و همسو می‌باشد (امین‌نژاد، ۱۳۹۴، طالبیان و فاضلی، ۱۳۹۲ و ...). به طور کلی می‌توان اذعان نمود که پیامدهای این صنعت همچون یک پیوستار قابل ترسیم است که در یک سر این طیف پیامدهای مثبت آن قرار گرفته است و در سوی دیگر آن پیامدهای منفی. در این پژوهش نیز تجربه زیسته دهیاران بیشتر به سمت پیامدهای مسئله برانگیز آن بوده است که این امر نیاز به تشریح و تفسیر بیشتری دارد که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

آنچه که یافته‌های این پژوهش را مسئله برانگیز می‌نماید وجود بسترها و زمینه‌های متعدد در صنعت نفت و گاز است و تمرکز این پژوهش تنها در یک بستر خاص و آن هم از زاویه و بینش دهیاران به عنوان مدیران محلی روستایی بوده و با این رویکرد نیز مورد واکاوی قرار گرفت. ما معتقدیم که اولاً ضرورت دارد بسترها و ابعاد دیگر این صنعت نیز در پژوهش‌های آتی مورد کاوش قرار گیرد چرا که بر اساس رویکرد بوردیویی ذینفعان و کنشگران متعددی در این میدان فعال می‌باشند و هر کدام مبتنی بر رابطه و تعامل خود با میدان مذکور، بینش خاصی در مورد پیامدهای این صنعت دارند. دوماً آنچه که یافته‌های این تحقیق را محدود به یک زمینه و نتایج خاص نموده است، نوع مواجهه کنشگران مذکور (دهیاران) با مسئله پژوهش از یک سو و نیز ساختار مدیریتی حاکم بر جامعه محلی از سوی دیگر می‌باشد. یعنی دهیاران به عنوان مجریان پروژه‌های روستایی از سوی اهالی و شوراها به شدت تحت فشار می‌باشند و با توجه به کمبود اعتبارات عمرانی در سال‌های اخیر، دهیاران به ناچار راهکار برون رفت از این وضعیت را مساعدت و کمک شرکت‌های مستقر در منطقه می‌دانند. سوم آنکه شواهد نشان می‌دهد که گاهی مطالبه‌گری آنها از پالایشگاه و شرکت نفت بیش از حد انتظار بوده است و با گذشت زمان این توقعات افزایش نیز یافته است. چهارم، آمار بالای بیکاری در شهرستان و رتبه یک در استان، باعث شده که بیشتر نگاهها و تمرکز به سوی این صنعت سوق داده شود که به تبع آن فشار زیادی در زمینه استخدام و بکارگیری نیرو بر شرکت‌های مستقر در منطقه ایجاد می‌شود.

با این حال مجدداً تأکید می‌گردد که پیامدهای اقتصادی صنعت نفت و گاز در منطقه سرخس چند بعدی بوده و همین امر واکاوی آن را پیچیده و مبتنی بر شرایط زمینه‌ای خاص نموده است. وجود بسترهای طایفه‌ای/قومیتی، موقعیت مرزی، استقرار زیرساخت‌های ملی متعدد همچون پالایشگاه، سد دوستی، گمرک، راه آهن، وجود و برجستگی اقتصاد سنتی و معیشتی در مجاورت اقتصاد مدرن صنعتی، نوعی ساختار دوگانه اقتصادی را به تدریج در این منطقه تقویت نموده است. حاصل این نوع ساختار را از دیدگاه انتقادی می‌توان با ارجاع به نظریه‌هایی همچون امانوئل والرشتاین این گونه تفسیر نمود که در این منظومه اقتصادی، دو جامعه وابسته به هم و در مجاور هم قوام و دوام یافته اند: جامعه مرکز که در درون خودش شرکت‌های وابسته به صنعت نفت و گاز را نمایندگی می‌نماید و جامعه پیرامون که ذینفعان محلی و مجاوران این صنایع حضور دارند، بر هم کنش و حاصل تعامل این دو جامعه مرکز/پیرامون شکل‌گیری قدرت اقتصادی در مرکز و وابستگی شدید پیرامون به آن بوده است. پیامدهای بلند مدت اقتصادی این ساختار، تضعیف و تحت شعاع قرار گرفتن بخش کشاورزی و دامداری منطقه از اقتصاد نفتی، تضعیف فرهنگ کار و کارفرمایی، نگاه ذینفعان محلی به پالایشگاه و در نتیجه رواج نوعی فرهنگ اقتصادی مبتنی بر تنبلی اجتماعی بوده است.

نوع رابطه اقتصادی شکل گرفته بین دو جامعه شرکتی و غیرشرکتی (مرکز/پیرامون) را می‌توان با استناد به بخشی از نظریه کارکردگرایی مرتون تحلیل نمود. از یک سو مبتنی بر رویکرد مرتون، دو حالت قطبی و یک حالت بینابین وجود دارد، در یک قطب بر اهداف تأکید می‌شود و این تأکید مستقل و نامتناسب با میزان تأکید بر وسایل نهادی است... در قطب دیگر، فعالیت‌ها که اساساً ابزار و وسیله هستند خود تبدیل به هدف می‌شوند و مقاصد اصلی فراموش می‌شوند... حالت بینابین هم شرایطی است که بین اهداف فرهنگی و وسایل نهادی تعادل برقرار می‌شود (نایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۶). بر همین اساس، حاصل برهم کنش و تعامل ذینفعان محلی جهت دستیابی به اهداف اقتصادی از طریق مکانیسم‌های صنعت نفت و گاز در این منطقه از فرایند متعادلی برخوردار نبوده و این امر ناسازگاری و ناهمخوانی با ساختارهای صنعتی را به همراه داشته است.

یافته‌ها و تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد نادیده گرفتن دیدگاهها و نقش اجتماع محلی باعث شکل‌گیری تضادهای اجتماعی شده و این امر بیگانگی مردم محلی را با فرایندهای تصمیم‌گیری این شرکت‌ها به همراه داشته است. علاوه بر این، به دلیل تقویت ساختار دوگانه اقتصادی دو نوع اجتماع خودی و غیرخودی در جوار یکدیگر شکل گرفته‌اند. چنین نتایجی با نتایج تحقیقات چیدی نیب و همکاران (۲۰۱۵)، کلمان و همکاران (۲۰۱۶)، طالبیان و فاضلی (۱۳۹۲) و غلامی‌پور و کلانتری (۱۳۹۶) همخوانی دارد. این پژوهشگران همراستا با پژوهش حاضر، بر مقوله‌ها و مفاهیمی همچون عدم مشارکت مردم محلی در فرایند توسعه، نادیده انگاشتن اجتماعات محلی، شکل‌گیری جامعه خودی و غیرخودی، پیامدهای توسعه‌ای در جوامع مرکز و پیرامون، دوگانگی فضایی/اجتماعی، دوگانگی فرهنگی و اجتماعی و عدم انسجام و ادغام اجتماعی و جامعه دوگانه محلی-شرکتی، تأکید می‌نمایند. اکثر مقولات مذکور با نظریه کالبدی مرکز-پیرامون والرش‌تاین نیز قابل تفسیر می‌باشند.

همچنین بخشی از نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات، فرضی و ازکیا (۱۳۹۶)، محسنی تبریزی و فرامرزی (۱۳۹۱)، نیکخواه و بهزادی (۱۳۹۵) و معیدفر (۱۳۸۹) همخوانی دارد. این پژوهشگران بر مقوله‌ها و مفاهیمی همچون فقر، عدم تغییرات محسوس توسعه‌ای، رویکردهای غیربومی‌گرایی، شکل‌گیری احساس تبعیض، احساس نابرابری و محرومیت، افزایش شکاف‌های طبقاتی، دوگانگی در جامعه و پیامدهای متناقض توسعه‌ای تأکید دارند که بخشی از این مقولات با دیدگاه کارکردگرایی مرتون قابل واکاوی می‌باشد. به طور کلی، نتایج این پژوهش‌ها نیز بیانگر این است که کنشگران محلی راهبرد دوگانگی و مقاومت را در مقابل پیامدهای این صنایع و متولیان آنها در پیش می‌گیرند و آنها را «برابرنهاد» خود می‌پندارند و مبتنی بر آن جامعه دو قطبی می‌شود.

همان‌طور که اشاره شد توسعه پدیده‌ای چند بعدی است. صنایع وابسته به نفت و گاز در منطقه سرخس باید به ابعاد روانی/فرهنگی توسعه که به شکاف‌های هویتی منجر شده و در این پژوهش در مقوله‌هایی همچون تعارض هویتی، تعارض فرهنگی و فروپاشی هویت بازنمایی شد، توجه جدی نمایند. و ضرورت دارد که با برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه، تعاملی و کنش محور، این شکاف‌های ایجاد شده با جامعه محلی را ترمیم و بازسازی نمایند. پیشنهاد می‌گردد همگام با این اقدامات، این شرکت‌ها با پذیرش مسئولیت اجتماعی در قبال ذینفعان محلی، تبعیض‌های منطقه‌ای را به حداقل برسانند و از این طریق با اتخاذ رویکردهای بومی‌گزینی‌تر و با تکیه بر ظرفیت‌های محلی/منطقه‌ای، نابرابری اجتماعی را کاهش داده و باعث افزایش اعتماد اجتماعی شوند. علاوه بر این با توجه به یافته‌های تحقیق، در صورتی که نظارت و پایش مؤثری بر شرکت‌های وابسته صورت نپذیرد بسیاری از فرایندهای توسعه محلی محور در این منطقه عقیم خواهد ماند و کماکان ساختار اقتصادی دوگانه تداوم خواهد یافت.

بنابراین با توجه به پیچیدگی ساختار جوامع محلی و ارتباط تنگاتنگ و درهم تنیده این ساختار با ساختارهای صنعت نفت و گاز، ایجاب می‌نماید که متولیان و سیاستگذاران این صنعت به سمت توانمندسازی اجتماعات محلی حرکت نمایند چرا که تنها با اتخاذ این رویکرد اجتماع محوری و مبتنی بر مشارکت محلی می‌توانند بر مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی این صنعت فائق آیند.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، علامرضا (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان.
- اکبری، صادق و عبدالهی، مجید (۱۳۸۷). *مجموعه قوانین و مقررات ده و دهیاری*، تهران: قلمستان هنر.
- امینی‌نژاد، غلامرضا (۱۳۹۴). تحلیل بررسی اثرات قطب صنعتی پارس جنوبی بر ساختار روستاهای استان بوشهر نمونه (شهرستان‌های عسلویه، کنگان، دیر و جم). *فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی*، ۱(۱۶)، ۱۰۱-۱۲۲.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰). *مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت.
- طالبیان، امیر و فاضلی، محمد (۱۳۹۲). اهمیت راهبردی تحلیل پیامدهای اجتماعی دیدگاه‌های نظری حاکم بر توسعه صنعت نفت و گاز. *فصلنامه راهبرد*، ۲۲(۶۶)، ۱۷۹-۲۱۱.
- طالبیان، سید امیر و ملاکی، احمد (۱۳۹۱). ارائه مدلی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی در صنعت نفت و گاز ایران. *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، ۱(۳)، ۱۶۲-۱۸۶.
- طالبیان، سید امیر، فاضلی، محمد و عقیل دغاغله (۱۳۸۷). تحلیل تأثیر اجتماعی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه. *نامه علوم اجتماعی*، ۳۳، ۵۶-۷۵.
- طالبیان، سیدامیر و عمرانی مجد، عبدالله (۱۳۸۸). بررسی وضعیت اجتماعی جزیره خارک و تأثیر آن بر محیط زندگی کارکنان صنعت نفت. *فصلنامه مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت*، ۳(۶)، ۲۱-۴۵.
- غلامی‌پور، اسماعیل و کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۶). شکل‌گیری جامعه دوگانه در شهرهای نفتی ایران با تأکید بر شهرستان ماهشهر. *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۶(۳۵)، ۱۰۷-۱۳۹.
- فرضی، شهرام و ازکیا، مصطفی (۱۳۹۵). تحلیل جامعه شناختی پیامدهای حضور صنعت نفت بر توسعه اجتماعی - فرهنگی مناطق نفت خیز از منظر ذینفعان محلی (مورد مطالعه: ساکنان حوزه میدان نفتی دارخوین). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۸(۲)، ۲۲۱-۲۴۴.
- فلیک، اووه (۱۳۹۱). *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۵). ارائه یک الگوی مفهومی برای مسائل و انحرافات اجتماعی و راه‌حل‌های کاهش آن در عسلویه. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲(۷)، ۱۱۹-۱۴۶.
- کاضمیان، غلامرضا، قربانی‌زاده، وجه‌الله و محمدجواد موسوی (۱۳۹۶). ارزیابی کلی نقش مدیریت شهری در کنترل پیامدهای رشد صنعت نفت و گاز در شهر عسلویه. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۸(۳۰)، ۲۲۶-۲۶۴.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۹). نفت، دوگانگی، مقاومت و وابستگی: نتایج دو بررسی در بهرگان و عسلویه. *مجله توسعه روستایی*، ۱(۲)، ۴۸-۷۸.
- محسنی تبریزی، علیرضا و فرامرزی، فرزانه (۱۳۹۱). نقش صنعت نفت در توسعه اجتماعی-اقتصادی شهر گچساران از دیدگاه شهروندان. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۴(۴)، ۳۶-۴۵.
- موسوی، سیدعارف و طالشی، مصطفی (۱۳۹۶). *حقوق و قوانین روستایی*، تهران: ستایش حقیقت: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- نایی، هوشنگ و همکاران (۱۳۹۶). تئوری آنومی دورکیم و مرتون، شباهت‌ها، تفاوت‌ها و شیوه‌های اندازه‌گیری. *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۶(۱۷)، ۹-۵۱.
- نوری ثانی و همکاران (۱۳۹۹). آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مدیریت آزادسازی مخازن سدها (نمونه موردی: سد آزاد). *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۲۶(۸۷)، ۱۷۹-۲۱۶.
- نیکخواه، هدایت‌الله و بهزادی، سجاد (۱۳۹۵). بررسی تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تأسیسات صنعتی بر فرایند توسعه (نمونه موردی شهرستان جم). *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۸(۴)، ۸۳-۹۹.
- نوغانی دخت بهمنی، محسن، محمدی، فردین و مهدی کرمانی (۱۳۹۸). *خلق نظریه در مطالعات کیفی (رویکردی کاربردی به نظریه زمینه‌ای)*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- Anguelovski, Isabelle. (2011). Understanding the Dynamics of Community Engagement of Corporations in Communities: The Iterative Relationship Between Dialogue Processes and Local Protest at the Tintaya Copper Mine in Peru. *Society & Natural Resources: An International Journal*, 24, 384-399.
- Chidi Nzeadibe, Thaddeus & Kelechukwu Ajaero, Chukwuedozie (2015). Integrating Community Perceptions and Cultural Diversity in Social Impact Assessment in Nigeria. *Environmental Impact Assessment Review*, 55, 74-83.
- Dana, Leo Paul & Anderson, Robert Brent (2009). A Study of the Impact of Oil and Gas Development on the Dene First Nations of the Sahtu (Great Bear Lake) Region of the Canadian Northwest Territories (NWT). *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 3(1), 94-117.
- Kelman, Ilan & Loe, Julia S.P. (2016). Local Perceptions of Corporate Social Responsibility for Arctic Petroleum in the Barents Region. *Arctic Review on Law and Politics*, 7(2), 152-178.
- Kemp, Deanna & Owen, John R. (2013). Community Relations and Mining: Core to Business but not "Core Business". *Resources Policy*, 38, 253-531.
- Loe, Julia S.P & Kelman, Ilan. (2016). Arctic Petroleum's Community Impacts: Local Perceptions from Hammerfest, Norway. *Energy Research & Social Science*.

- Okuthe, Isaiah K.(2015). Environmental and Social Challenges of Oil and Gas Exploration in Kenya. *International Journal of Innovation and Scientific Research*, 17(1), 164-174.
- Spangler, Ingrid S. & Pompper, Donnalyn.(2011). Corporate Social Responsibility and the Oil Industry: Theory and Perspective Fuel a Longitudinal View. *Public Relations Review*, 37, 217-225.
- Van Ban, Tran & Hadikusumo, Bonaventura H.W.(2017). Culture EPC Oil and Gas Project in Vietnam: Grounded Theory. *International Journal of Energy Sector Management*, 11(3), 366-386.
- Ventura, Jose & Jauregui, Kety.(2017). Business-Community Relationships for Extractive Industries: A Case Study in Peru. *Brazilian Administration Review*, 14(2), 1-24.

